

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۵ جون ۲۰۲۱

اهداف "کرزی" از "روسیه گرائی"!

(۱)

پنجشنبه- ۰۳ سرطان ۱۴۰۰ - کابل: سالها قبل از امروز یعنی در آخرین روز های حاکمیت "ربانی-مسعود" در شهر کابل، در محفلی بر حسب تصادف این امکان به وجود آمد در محضر موسپیدان عمدتاً کوهدامن زمین و دو سه شهروند کابلی بر مبنای سن و سالی که داشتیم در پایان اتاق نشسته و به قصه هایی که نقل می کردند گوش دهم و به حافظه سپارم.

در جمع موسپیدان، فردی حضور داشت که می شد حدس زد در همان زمان بیش از ۸۰ سال عمر داشت، فردی بود لاغر و استخوانی، وقتی همه به راه افتادند تا محل را ترک کنند، در رفتن چست و چالاک و می شود گفت دارای حافظه قوی و صاحب استدلال قوی و آرام.

این فرد که گویا خودش از شاگردان لیبسه امانی همان زمان و از محبان و هواداران اعلیحضرت "امان الله خان" بود، در جریان بحثی که بین همسالان راجع به دورانهای قدیم به خصوص آمدن "امیر حبیب الله کلکانی" و فرار "امان الله خان" جریان داشت، به نقل از پدرش که گویا در مجلس تخت نشینی "امیر حبیب الله کلکانی" حضور داشته است، گفت: "وقتی امیر بر جایگاهش جلوس نمود و محفل آماده شد، به استاد "قاسم افغان" که خواننده دربار بود، اشاره نمودند تا به هنرنمایی آغاز نماید. استاد "قاسم افغان" که یکی از هواداران و محبان شخص "امان الله خان" بود و این عشق و علاقه اش را هم هیچگاهی مخفی نمی داشت، آهنگش را با شاه بیتي از حافظ چنین آغاز نمود:

کشتی نشستگانیم* ای باد شرطه برخیز باشد که باز بینیم دیدار آشنا را

خلاف انتظار و توقع همگانی که فکر می شد، "امیر" چیزی از شعر و شاعری نمی دانست تا چه رسد به این که از آن پیامی و التجائی را استنباط نماید، به محض ختم این شاه بیت، بدون لحظه ای تأمل، "امیر" به طرف "استاد" قاسم افغان "نگریسته به صدای بلند گفت: وا بخان، وا اوتو نزدیمیش که دیگه روی خوده دور بته"***
هموطنان گرامی!

من نه در این صلاحیت قرار دارم که داستان سرگذشت یک انسان را تکذیب و یا تصدیق نمایم و نه هم بحث ما در مورد چگونگی روند برگزاری آن محفل است، آنچه از نظر من می تواند برای روس گرائی های "کرزی" و بقیه نوکران دیروز و امروز روس، درس عبرتی باشد فراموش ناشدنی، به عاریت گرفتن همان جمله "امیر حبیب الله

کلکانی" است. یعنی مردم ما روسها را آنطور نزده و پوزه شان را به خاک نمالیده که در این فاصله کوتاه آن درس ها را فراموش کرده، مجدداً پای به افغانستان بگذارد.

هموطنان گرامی!

این درست است و تاریخ آن را بار ها به اثبات رسانیده که زورمندان، جباران و اشغالگران اولاً هیچ گاهی از تاریخ و شکست های شان درس و انتباه نمی گیرند و در ثانی اگر شکست ها آنها را به بازنگری روندی که به شکست شان منجر شد نیز وادار بسازد، از آن شکست به جای انتباه و پرهیز از تجاوز و غارتگری، درس معکوس گرفته با نیروی بیشتر و با دهشت و وحشت فزونتر به تکرار عمل شان پرداخته اند، تا شکست را که به مثابه لکه ننگ و سؤالی برای حیثیت و شخصیت خود تلقی می نمایند، جبران نموده با سرکوب خونین مخالفان جایگاه شان را به مثابه یک زمامدار سفاک و خونریز ثبت کتیبه خرائین تاریخ نمایند.

این کاریست که به تکرار از جانب زمامداران داخلی و خارجی در ابعاد مختلف و بستر زمان صورت گرفته و نباید هیچ گاهی چنان پنداشت که متجاوزان دیگر به فکر تکرار تجاوز و غارتگری شان نمی افتند. بناءً وقتی می بینیم که فردی مانند "کرزی" که خودش سوار بر تانکها و بمب افکنهای امریکائی بر افغانستان حاکم گردانیده شده است، و تاریخ وی را به حیث "شاه شجاع و ببرک امریکائی" ثبت نموده است، امروز روی به طرف قبله ای می آورد که نقش ویرانگر و خونبارش در هفت دهه اخیر با خون نگاشته شده است، می باید از خود و از دیگران علل و اهداف چنین خرابی را پرسید.

ادامه دارد.

یادداشت ها:

*- با عرض پوزش خدمت همکار نستوه و وفادار ما آقای "عمر قریشی"، هرچند در اکثر آثار انترنیتی من جمله "گنجور"، در بیت نقل شده کلمه "شکستگانیم" آمده است، مگر ما بر مبنای احترامی که به "احمد شاملو" و کار ارزنده ای که در تدوین، تصنیف و تصحیح غزلیات حافظ انجام داده و کتاب نفیسی را معنون به "حافظ شیراز" تقدیم خوانندگان نموده است، داریم؛ به جای "شکستگانیم"، "نشستگانیم" را از بسا جهات ارجح دانسته آن را در بیت جای داده ایم.

** - زبان گفتاریست که گویا "امیر حبیب الله کلکانی" همان طور سخن می گفته و به نوشته چنین می شود:

"بخوان، آن طوری او را نزده ام که دیگر رویش را برگرداند" - منظور فراری ساختن اعلیحضرت "امان الله خان" از کابل و رها کردن تاج و تخت سلطنت!

اداره پورتال AA-AA